

| معرفی کتاب «امین زبان و ادب فارسی»

# هزار سال در کنار دُر شیرین دَری



● عنوان: **امین زبان و ادب فارسی**

● نویسنده: **محمدحسن مقیسه**

● ناشر: **انتشارات انقلاب اسلامی**

● تعداد صفحات: **۲۶۰**

● توضیحات:

اثری که باید توی کتابخانه خانه یا مدرسه‌تان

داشته باشید و هرچند وقت یک‌بار به سراغش

بروید و بخش‌هایی از آن را مطالعه و به آن

عمل کنید

همین حالا شما در حال خواندن متنی هستید که به زبان فارسی نوشته شده. اگر ماشین زمان اختراع شده بود و این متن را به هزار سال قبل و دوره پادشاهان سامانی می‌بردیم و به دست کسی مثل رودکی می‌دادیم، می‌توانست آن را بخواند و بفهمد؛ همان‌طور که ما امروز شعرهای او مثل «بوی جوی مولیان آید همی» را می‌خوانیم و می‌فهمیم. خانمی ایرانی ساکن ژاپن روایت می‌کرد که برای اهالی ژاپن عجیب است که ما هنوز آثار هزار سال قبل خودمان را می‌خوانیم و یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های زنده دنیا را داریم که در طی قرون و اعصار کم‌ترین تغییر را داشته است.

«ادبیات مثل ژن‌های انتقال خصوصیات است که وراثت و نسل را حفظ می‌کنید. ادبیات است که اتصال یک ملت را به گذشته خودش و فرزندی را به پدر نسلی خودش، ایجاد و حفظ و ضبط می‌کند.» این جملات، بخشی از کتاب «امین زبان و ادب فارسی» است؛ کتابی که بخش‌های مختلف سخنرانی‌های آقا در مورد زبان فارسی را جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است. این کتاب تقریباً شبیه یکی از درس‌های کتاب فارسی کلاس هفتم است، «چرا زبان فارسی را دوست داریم؟» با توضیحات بیشتری مثل اینکه «چرا زبان فارسی مهم است؟»، «چه کسانی در تاریخ برای حفظ این زبان تلاش کردند؟» و «ما برای نگهداری از این زبان چه کارهایی می‌توانیم انجام بدهیم؟»

«روزی از قسطنطنیه یا استانبول تا آسیای شرقی، بُرد ادبیات ما بود. زبان فارسی، زبان دیوانی کشور عثمانی بود ... طرف شرق هم حتی تا هند و چین، زبان فارسی بُرد داشت، زبان مذهبی بود، زبان اداری، زبان دبیران و منشیان و زبان ادبیات و هنر بود.» کشور عثمانی حالا دیگر روی نقشه‌های جهان وجود ندارد، اما در زمان‌های قدیم کشور بزرگی بوده که کشورهای مثل ترکیه و عراق و سوریه امروزی بخش‌هایی از آن به حساب می‌آمدند، کشور عثمانی با اینکه تُرک زبان بوده و همواره با ایران دشمنی داشته، اما برای مکاتبات اداری و دولتی خود از زبان فارسی استفاده می‌کرد، همان زمان در شرق ایران، اهالی هند به زبان فارسی شعر می‌گفتند و شاعران بزرگی مانند بیدل دهلوی وجود داشتند.

زبان فارسی دامن بزرگ خود را در سرتاسر سرزمین‌های جهان قدیم گسترانده بوده است که آثارش هنوز در زبان امروز اهالی این مناطق باقی‌مانده است و میراثش در ایران، به ما رسیده است.

«شما کاری کنید که در پنجاه سال آینده، همین نیاز به زبان فارسی شما باشد. این یک آرزو است، یک قله است؛ مثل قله دماوند، مثل قله توچال که نگاه کردن به آن هیجان‌انگیز است.» حالا دنیایی را تصور کنید که اهالی آن برای دست پیدا کردن به علم و فرهنگ نیاز به یادگرفتن زبان فارسی داشته باشند؛ دنیای که در آن اغلب مردم می‌توانند شعرها و ادبیات کهن فارسی را بخوانند و بفهمند و آن‌طور که ما از آن‌ها لذت می‌بریم، لذت ببرند. گرچه دور به نظر می‌رسد، اما مثل یک قله فکر کردن به آن هیجان‌انگیز است.

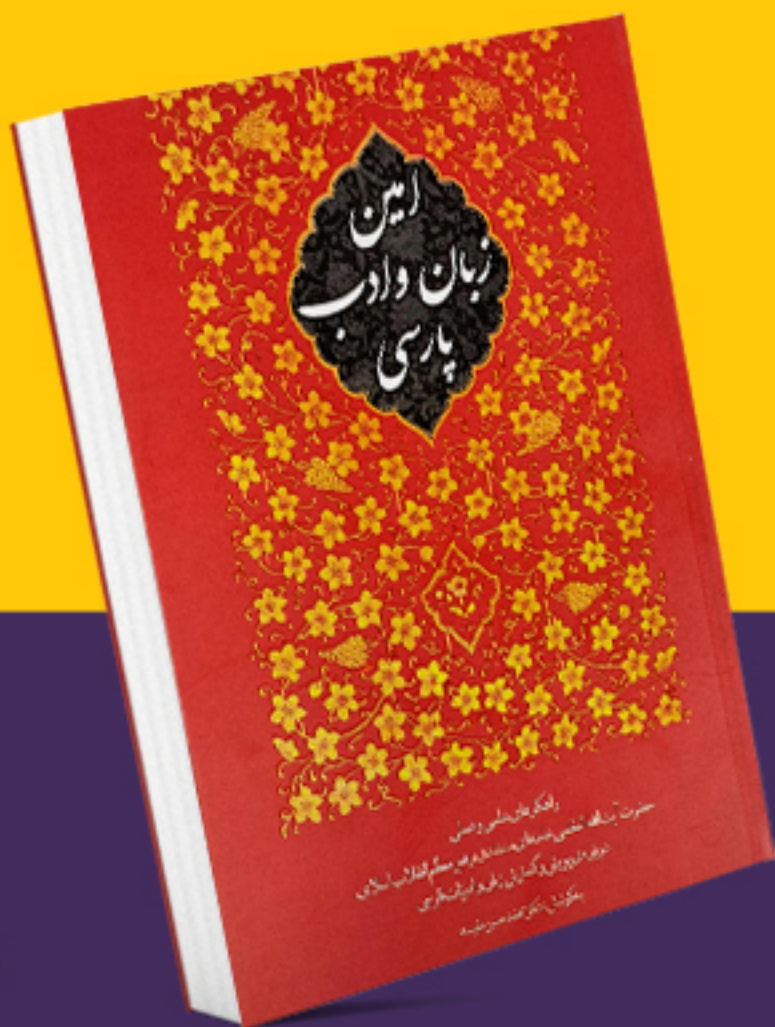
کتاب «امین زبان و ادب فارسی»، کتابی نیست که یک روز بنشینید، تمامش را بخوانید و کنارش بگذارید. این کتاب مثل یک کتاب مرجع است؛ اثری که باید توی کتابخانه خانه یا مدرسه‌تان داشته باشید و هرچند وقت یکبار به سراغش بروید و بخش‌هایی از آن را مطالعه و به آن عمل کنید؛ مثلاً، روی دیوار کلاستان یک روزنامه دیواری بچسبانید و بنویسید به چه دلایلی «زبان فارسی را دوست داریم؟» و از همکلاسی‌هایتان بخواهید آن را تکمیل کنند یا مسئولیت‌هایمان در مقابل زبان را بخوانید و برای انجام‌دادن هریک از آنها تلاش کنید؛ مثلاً، اینکه حساسیت بیشتری به نوشتار زبان داشته باشیم.



وقتی با دوستانمان به صورت اینترنتی گپ می‌زنیم کمتر از کلمات و جملات مخفف استفاده کنیم و حواسمان به نکات ویرایشی زبان باشد یا از کلمات انگلیسی که معادل فارسی دارند استفاده نکنیم. در بلندمدت تلاش کنیم که ما هم اثری به میراث بزرگ ادبیات فارسی اضافه کنیم؛ مثلاً، داستان‌ها و شعرهایی به زبان فارسی بنویسیم. برای گسترش زبان فارسی به قله‌های بلند فکر کنید؛ مثلاً، زمانی که رمان‌های نوشته‌شده توسط شما، به‌عنوان نویسندگان آینده، به باقی زبان‌های دنیا ترجمه می‌شود، ادبیات فارسی جدید مثل آثار کهن فارسی در جهان شناخته‌شده و مولوی و حافظ و سعدی بر تارک آثار ادبی دنیا می‌درخشند.

| معرفی کتاب «امین زبان و ادب فارسی» | خوانش بخش‌های منتخب |

# هزار سال در کنار دُر شیرین دَری



ادبیات به معنای عام خودش این طور نیست که مورد قبول همه باشد. آن‌هایی که بیرون از محیط ادبیات‌اند اصلاً ادبیات را یک چیز جدی به حساب نمی‌آورند. فرض کنید مهندسی مشغول کارهای فنی و غرق در چرخ و پیر و پیچ و مهره است، در همین حال مثلاً به او بگوییم که به نظر شما این ترجمه یا این رمان یا این شعر چگونه است؛ اصلاً به ذهن او، این یک کار بچگانه و یک کار غیرجدی می‌آید؛ حتی مردم معمولی کوچه و بازار هم همین‌طورند.

با اینکه مردم ما به‌خصوص در بعضی از مناطق کشور غالباً ذوق هنری و ادبی رقیقی دارند. لکن اگر مثلاً گفته شود که در فلان جا بحثی در ادبیات خواهد شد، برایشان باورکردنی نیست؛ یعنی ادبیات را دور از مسائل جدی می‌دانند، در حالی که قضیه این نیست.

ادبیات، رابط میراث فرهنگی یک کشور از نسلی به نسل دیگر است که اگر نباشد، ما می‌توانیم پزشکی و مهندس و صنعتگر و عالم داشته باشیم، اما برای دنیای دیگری، نه برای دنیای این جامعه و این مرزوبوم؛ ادبیات مثل ژن‌های انتقال خصوصیات است که اصلاً وراثت و نسل و این‌ها را حفظ می‌کنند؛ ادبیات است که اتصال یک ملت را به گذشته خودش و فرزندی را به پدر نسلی خودش، ایجاد حفظ و ثبت می‌کند... وحدت نسل‌های مختلف با ادبیات حاصل می‌شود؛ یعنی با شعر، با کلام، با سخن.